



مقالات و اعلامیه های برگزیده
 از کار ۲۰۲ - چهارشنبه ۵ اسفند ۱۳۷۷

سرمقاله

انتخابات شوراها

به تصمیمات حکومت گردن نگذاریم!

یادداشت

وزیری رفت، وزیری آمد

وزارت بدون تغییر ماند!

انتخابات شوراها به جناح های حکومت محدود شد

مردم چهره های تازه و سیاست های نو می خواهند

آنجا که قدرت واژه ها را معنی می کند

در تظاهرات کردهای ایران

چندین تن به دست پاسداران کشته شدند

فقط وعده می دهند،

اما از معرفی قاتلین آزادی خواهان ایران خبری نیست!

در سالروز انقلاب، مردم سنج با شعارهای

((زنده باد آزادی، مرگ بر استبداد)) علیه رژیم تظاهرات کردند

سکوت در برابر حذف ((غیرخودی ها))

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

دستگیری عبدالله اوجالان را محکوم می کنیم!

با کار تماس بگیرید

انتخابات شوراها به تصمیمات حکومت گردن نگذاریم!

سرنوشت انتخابات شوراهای شهر و روستا نیز سرانجام به همان جایی کشیده شد، که سرنوشت دیگر انتخابات در جمهوری اسلامی کشیده شده است. در این انتخابات هم رژیم تمامی افراد و شخصیت‌های وابسته به احزاب و سازمان‌های دگراندیش و غیرحکومتی را حذف کرده است و طبق قانون، انتخاب تنها از میان این یا آن جناح رژیم میسر است. اختلافات جناح‌های رژیم هر چقدر هم که شدید و جدی باشد، لیست‌های کاندیداهایی که از سوی آنان به مردم معرفی شده است، هر چقدر هم که با هم تفاوت داشته باشد، باز نمی‌تواند این واقعیت را پوشیده نگاه دارد که در این انتخابات نیز هیچ حزب و گروه و سازمانی، به جز احزاب و گروه‌ها و دسته‌جات حکومتی، قانوناً حق شرکت کردن در شوراهای شهر و روستا را ندارند و از سوی هیچ یک از جناح‌های رژیم پذیرفته نشده‌اند. با حذف تقریباً تمامی کسانی که برای شرکت در شوراها ثبت‌نام کرده و به هیچ‌کدام از جناح‌های حکومت وابسته نبودند، رژیم انتخابات شوراها را به یک انتخابات صد در صد حکومتی، به یک انتخابات صد در صد غیردموکراتیک تبدیل کرده است.

برای اولین بار در ایران شرایطی پیش آمده بود که حداقل بخش میانه‌روی نیروهای غیروابسته به حکومت این شانس را یافت در انتخاباتی که مستقیماً با قدرت سیاسی نیز مربوط نیست، شرکت کند، اما توبه‌نامه سرشناس‌ترین شخصیت‌های وابسته به جناح چپ، راه را بر آنان که نخواستند توبه‌نامه بنویسند، بست و آنان را از مدار انتخابات خارج کرد. جناح وابسته به ولایت‌فقیه جز این نمی‌گفت و جز این نمی‌خواست. اما جناح چپ و طرف‌داران رییس جمهور که با داعیه‌های بسیار در باب دموکراسی و لزوم شرکت گسترده مردم در این انتخابات به میدان آمدند، اکنون چگونه می‌خواهند، سیاست خود را که به حذف نیروهای دگراندیش کمک شایانی کرد، توجیه کنند؟ سیاستی که جناح چپ رژیم در آخرین روزهای انتخابات در پیش گرفت، از چند جهت قابل توجه و تأمل است:

نخست آن که آنان به تفتیش عقاید گردن نهادند و پذیرفتند برای انتخاباتی مثل انتخابات شوراها نیز مردم ایران باید در برابر صاحبان قدرت تعهد کتبی بدهند که به آن چه آنان می‌گویند، وفادارند و ((اعتقاد قلبی)) دارند. با گردن نهادن به چنین تحمیلی، آنان به همه مردم ایران نشان دادند چقدر آسان نخستین و پایه‌ای‌ترین اصول جامعه مدنی، یعنی احترام به آزادی عقیده و ممانعت از تفتیش عقاید را زیر پا می‌گذارند و وسیله بازی‌های قدرت می‌سازند.

دوم: آنان نشان دادند که چه راحت آزادی و حقوق دیگران را بازیچه ((آزادی)) و منافع خویش می‌سازند. اگر آن چند چهره سرشناس وابسته به طیف چپ، تعهد مورد درخواست جناح راست را امضا نمی‌کردند و بر مخالفت با تفتیش عقاید پای می‌فشردند، هیات‌های نظارت و حتی کمیته حل اختلافات نمی‌توانستند به راحتی نیروهای دگراندیشی را که در این انتخابات ثبت‌نام کرده بودند، حذف کنند. وزارت کشور و دولت آقای خاتمی از تعهدات و قول‌های اولیه خود مبنی بر این که اجازه نخواهند داد ((نظارت استصوابی)) بر این انتخابات برقرار شود و کسی به جرم عقیده حذف شود، عقب نشستند تا بتوانند شرکت افراد وابسته به خود در این انتخابات را تأمین کنند. آن‌ها متأسفانه آزادی دیگران را برای تأمین آزادی خود فروختند و این اصل اساسی ((جامعه مدنی)) را بار دیگر زیر پا گذاشتند که آزادی وقتی معنی می‌دهد که شامل آزادی مخالفان نیز باشد.

همه امکانات وجود داشت تا در این انتخابات سیاست دیگری در پیش گرفته شود، همان سیاستی که وزارت کشور از ابتدا اعلام کرده بود و بررسی صلاحیت کاندیداها را بر عهده هیات‌های اجرایی دانسته بود. اگر دولت و وزارت کشور بر این سیاست می‌ایستادند و با اعلام اسامی کاندیداها، به مردم حق می‌دادند نمایندگان خود را به تشخیص خود و نه مراکز قدرت انتخاب کنند، بی‌شک از پشتیبانی عظیم مردم و همه سازمان‌ها و احزاب دموکراتیک برخوردار می‌شدند، حمایت عظیمی که جناح راست را برای ایستادگی در برابر آن دچار تردید و شکاف جدی می‌کرد.

سیاست جناح‌های جمهوری اسلامی، شوراها را از مضمون دموکراتیک و مردمی تهی ساخته است. مردم ایران و احزاب و سازمان‌های دموکراتیک، برای خنثی ساختن این سیاست ضددموکراتیک باید همان کاری را بکنند که جناح چپ رژیم به آن پشت کرد. ما باز هم تأکید می‌کنیم که مردم نباید به تصمیمات هیات حل اختلاف و هیات‌های نظارت که خودسرانه و قلدرانه برای آن‌ها و به جای آن‌ها تصمیم گرفته‌اند، تن دهند. ما از کاندیداهایی که توسط حکومت حذف شده‌اند، می‌خواهیم به این سیاست تن ندهند و کاندیداتوری خود را به رای مردم بگذارند و در صورت امکان به انتشار یک لیست مشترک در برابر لیست‌های حکومتی و دعوت مردم برای رای دادن به این لیست اقدام کنند. ما مردم ایران و نیروهای دموکراتیک را دعوت می‌کنیم که به تصمیمات خودسرانه حکومت تن ندهند و بر برگه‌های رای خود نام کسانی را بنویسند که خود مایلند در شوراها حضور داشته باشند.

وزیری رفت، وزیری آمد وزارت بدون تغییر ماند!

بهزاد نبوی از رهبران سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و جناح طرفدار خاتمی، در نطقی برای دانشجویان گفته است نباید تصور کرد علی یونسی کاندید خاتمی برای وزارت اطلاعات، به رئیس جمهور تحمیل شده است. نبوی افزوده است خاتمی دو نوع محدودیت برای تعیین وزرا دارد: یکی شانس کاندیداها برای کسب رای در مجلس و دیگری مشورت در ((سطوحی معین)). به نظر نبوی، معرفی یونسی به مجلس، ثمره این ((مشورت‌های داوطلبانه)) است.

خاتمی این امکان را داشته و دارد که با اتکا به آرای ۲۰ میلیونی خود، به وعده‌های خود در انتخابات ریاست جمهوری و پس از آن، عمل کند، حتی اگر این کار، مستلزم ((تحمیل))‌هایی به ولایت فقیه باشد. اما خاتمی در بسیاری از موارد تعیین‌کننده، چنین نکرده و نمی‌کند، از جمله در مورد تعیین جانشین دری نجف‌آبادی که با رسوایی دخالت وزارت اطلاعات در قتل‌های اخیر، ناگزیر از استعفا شد. او کسی را به عنوان وزیر جدید اطلاعات پیشنهاد کرده است که به گواهی زندگی‌نامه و مناصب تاکنونی‌اش در جمهوری اسلامی، از موسسین و اجزای پایدار دستگاه اطلاعاتی رژیم آخوندی است، همین دستگاهی که ۲۰ سال است کار اصلی آن سرکوب، کشتار و شکنجه دگراندیشان است. یونسی در حقیقت در این ۲۰ سال کار دیگری جز کار ((امنیتی)) نکرده است، و اتفاقاً کسانی که در مقام توجیه‌گری او برآمده‌اند، به همین نکته اشاره دارند و می‌گویند بر خلاف دری نجف‌آبادی که تجربه‌ای در این زمینه نداشت، یونسی دارای سابقه طولانی فعالیت در ارگان‌های امنیتی و قضایی است. آخرین شغل یونسی ریاست سازمان قضایی نیروهای مسلح بود یعنی جانشین ری شهری، حاکم شرعی که به حکم او ناخدا افضل‌ها، سرهنگ عطاریان‌ها و... به جوخه اعدام سپرده شدند. از همان زمان، یونسی همکار نزدیک ری شهری بوده است. نام یونسی زمانی در افکار عمومی و مطبوعات به طور گسترده‌تر مطرح شد که فاش گردید وی ریاست کمیته تحقیق سه نفره خاتمی برای رسیدگی به قتل‌های اخیر را بر عهده دارد (یونسی، ربیعی مسئول روزنامه کار و کارگر، سرمدی معاون وزارت اطلاعات). از همان هنگام علنی شدن ترکیب این هیات، جناح راست اعلام کرد که در هیات مزبور، تنها یونسی وابسته به جناح خاتمی نیست.

مطبوعات در هفته گذشته به نقل از بحث‌های حاشیه‌ای مجلس نوشتند نمایندگان جناح راست از معرفی یونسی خشنودند، در حالی که اعضای جناح چپ از اعلام نامزدی یونسی اظهار نارضایتی کرده‌اند. روزنامه صبح امروز که طرفدار خاتمی است به دنبال انتشار نخستین گزارش‌ها درباره امکان معرفی یونسی به مجلس، تلوخا از خاتمی انتقاد کرد و نوشت معرفی وزیری که در مجلس رای نیابد بهتر از تن دادن به وزیر مورد نظر جناح راست است.

آخرین دلیل بر نزدیکی یونسی به خامنه‌ای و جناح راست و دستگاه سرکوب رژیم، عملکرد کمیته تحقیق است که خلاف انتظار مردم، مدعی شد هیچ یک از جناح‌های حکومتی در قتل فروهرها و مختاری و پوینده دست نداشته‌اند. گماردن یونسی به وزارت، موید آن است که رهبری رژیم، تصمیم راسخ گرفته است موج اعتراض برانگیخته شده پس از قتل‌های اخیر را فرو بنشانند و کاری کند که وزارت اطلاعات از تعرض این موج خشم مردم در امان بماند. اگر به میل آن‌ها باشد، در وزارت اطلاعات بر همان پاشنه خواهد گشت که قبل از رسوایی اخیر می‌گردید. یونسی بی‌شک هیچ ماموریتی برای تحقق خواست‌های مردم، که از تغییرات ساختاری در وزارت اطلاعات تا انحلال آن را در بر می‌گرفت، ندارد، بلکه مامور است این دستگاه جهنمی را که در هفته‌های اخیر در ضعیف‌ترین موقعیت خود از بدو تاسیس تا کنون قرار گرفته بود، از دام بلا برهاند و به مثابه چشم و گوش و دست آهنین ولایت فقیه حفظ کند.

اگر آقای خاتمی به وعده‌های خود عمل نکرده و با این انتخاب وزارت اطلاعات را همچنان در چنگ جنایت‌کاران باقی گذاشته است، اما از آنجا که دیگر مدت‌هاست بقا و رشد این جنبش وابسته به وفادار ماندن این یا آن فرد به خواست‌های آن نیست، فشار مردم برای کندتر کردن تیغ سرکوب آخوندها ادامه خواهد یافت. مردم و به ویژه اقشار و گروه‌های اجتماعی پیشرو در این جنبش، مانند دانشجویان، روشنفکران، روزنامه‌نگاران و نویسندگان، صرف‌نظر از خواست و تمایل این یا آن، قصد دارند حضور پرصلابت خود را به ولایت فقیه تحمیل کنند. از این رو، بازگرداندن موقعیت وزارت اطلاعات به دوره اوج اقتدار آن، خیال باطلی است که خامنه‌ای و عمله و اکره دستگاه سرکوب او در سر می‌پروراندند. همین که نام وزارت اطلاعات به عنوان مامن و آشیانه جنایتکاران بر سر زبان‌ها افتاده است، همین که روزی نیست که مطبوعات در انتقاد از این دستگاه سرکوب چیزی ننویسند، از دامنه وحشتی که این وزارتخانه می‌پراکند، می‌کاهد و خط بطلان بر ((نصرت رعب)) می‌کشد که ورد زبان خامنه‌ای در محافل خصوصی رژیم است.

نیروهای آزادیخواه و مخالف سرکوب، وظیفه دارند به افشا و انتقاد از وزارت اطلاعات رژیم ادامه دهند و مصرانه خواهان معرفی و محاکمه عاملان قتل‌های اخیر و علاوه بر آن، همه جنایات این وزارتخانه از بدو تاسیس تا کنون شوند.

انتخابات شوراها به جناح‌های حکومت محدود شد مردم چهره‌های تازه و سیاست‌های نو می‌خواهند

این روزها در شهرها و روستاهای کشور مبارزه انتخاباتی نامزدهای نمایندگی شوراهای شهر و روستا جریان دارد. گروه‌های وابسته به دو جناح حکومت با صرف هزینه‌های کلان و تبلیغات گسترده، چهره خیابان‌های تهران، اصفهان، شیراز، مشهد، تبریز و اهواز و دیگر شهرهای بزرگ را دگرگون کرده‌اند. به دلیل حضور نیروهای سرشناس هر دو جناح در تهران و نقش پایتخت در تحولات سیاسی کشور، عمده فعالیت تبلیغاتی در این شهر متمرکز شده و رقابت کاندیداهای اصلاح‌طلبان اسلامی طرفدار خاتمی با نامزدهای جناح راست حکومت برای کسب کرسی نمایندگی شورای شهر تهران داغ‌تر از سایر شهرهاست. در تهران دیوارهای خیابان‌های پر رفت و آمد با پوستره‌های رنگی نامزدهای انتخابات و شعارهای تبلیغاتی پوشیده شده‌اند و از دیرک‌های چهارراه‌ها پارچه‌نوشته‌هایی با عنوان درشت ((شهر سبز، شهر زندگی، شهر باشناط)) آویزان هستند و مردم را به شرکت در انتخابات شورای شهر دعوت می‌کنند.

در جمع ۱۵ نفر از کاندیداهای گروه ۱۲ گانه معروف به ائتلاف خط امام که از خاتمی پشتیبانی می‌کنند، اسامی عبدالله نوری، سعید حجاریان، جمیله کدیور، ابراهیم اصغرزاده و عباس دوزدوزانی از سایرین آشنا تر هستند. در ائتلاف گروه ۱۲ گانه دفتر تحکیم وحدت، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، حزب تازه تاسیس جبهه مشارکت اسلامی و جمعی از نمایندگان مجلس حضور دارند. ۱۱ نفر از کاندیداهای کارگزاران سازندگی با گروه جبهه دوم خرداد مشترک هستند. از نفر یازدهم تا پانزدهم، کارگزاران به جای عباس دوزدوزانی حسین حقیقی، داود سلیمانی و صدیقه وسقمی اسامی محمد غرضی، غلامرضا فروزش، روشنگر سیاسی و محمد اصغری را گنجانده‌اند. بنا به اظهارات کرباسچی دبیر کل حزب کارگزاران سازندگی، عزت‌الله انتظامی هنرمند تئاتر و سینما در آخرین لحظات به دلیل تهدیدهایی که علیه حضور وی در فهرست کاندیداهای کارگزاران صورت گرفت، از شرکت در انتخابات منصرف شد. کاندیداهای جامعه روحانیت مبارز جناح مقابل خاتمی، از وزرا و استان‌داران سابق و برخی از بازاریان تشکیل شده‌اند. علینقی خاموشی، یحیی آل‌اسحاق، غلامرضا فروزش، محمدنبی حبیبی شهردار سابق تهران و شهلا حبیبی کاندیداهای سرشناس جناح راست برای نمایندگی شورای شهر تهران هستند.

علیرغم تبلیغات پرهزینه و تلاش روزنامه‌ها برای نشان دادن اهمیت شوراها و دعوت مردم به شرکت در انتخابات، تاکنون از طرف مردم عادی آن شور، شوق و استقبال میلیونی که پیش‌بینی می‌شد، نه تنها دیده نمی‌شود، بلکه در بازار گرم تبلیغات، عدم استقبال عمومی از انتخابات برجسته‌تر شده است. به جز محافل دانشجویی، جوانان و روشنفکران، سخن از شورا و شرکت در انتخابات به سخن عمومی مردم تبدیل نشده است و رهگذران به پوستره‌های تبلیغاتی با علاقه نمی‌نگرند. این دلسردی، دلسردی نسبت به شوراها و عدم مشارکت در امور کشور نیست. مردم ۲۰ سال پیش سپردن قدرت سیاسی به شوراها را برای آن وارد قانون اساسی نکردند که امروز بی‌تفاوت از کنار آن بگذرند. در دلسردی مردم، شرایط غیردموکراتیک روند برگزاری انتخابات، غیبت احزاب و شخصیت‌های غیرحکومتی، عملکرد هیات نظارت بر انتخابات و توافق جناح خاتمی با تفتیش عقیدتی و سیاسی داوطلبان نمایندگی شوراها، بی‌تردید نقش دارند.

وزیر کشور و سایر هم‌نظران خاتمی که از ماه‌ها پیش بر سر تعیین صلاحیت داوطلبان نامزدی انتخابات شوراها، با هیات نظارت مرکزی اختلاف داشتند و وعده می‌دادند در صورتی که نام کاندیدایی از طرف هیات نظارت رد شود، اگر مورد قبول وزارت کشور باشد، مردم می‌توانند به آن‌ها رای دهند، سرانجام از این وعده عقب نشستند و دو جناح توافق کردند کسانی که صلاحیتشان رد شده است برای گرفتن تایید صلاحیت کتبا اقرار کنند که به ولایت مطلقه فقیه اعتقاد دارند.

در پی این توافق، عبدالله نوری، سعید حجاریان، جمیله کدیور، ابراهیم اصغرزاده و گروه دیگری که صلاحیتشان از طرف هیات نظارت رد شده بود، با نوشتن نامه و اقرار کتبی به التزام و وفاداری به ولایت‌فقیه از هیات نظارت که در دست جناح راست است، جواز ورود به مبارزات انتخاباتی گرفتند. با این راه‌حل، ((غیرخودی‌ها)) از صحنه انتخابات حذف شدند و انتخاب مردم به دو جناح حکومتی محدود شد.

اکنون گلدیاتورهای دو جناح در صحنه‌اند. غایب بزرگ احزاب غیرحکومتی هستند.

آنجا که قدرت واژه‌ها را معنی می‌کند

اوجالان تروریست است و نظامیان ترک، هر بلایی که بر سر او بیاورند، محقند. تروریست را می‌توان از حقوق بشر محروم کرد، روز روشن ربود و به او دارو تزریق کرد، می‌توان چشمانش را بست و مانند جانوری در قفس، کت‌بسته به این سو و آن سو کشاند، می‌توان شکنجه‌اش کرد و بر او توهین روا داشت، می‌توان در برابر دوربین تلویزیون، شخصیتش را خرد کرد و به مضحکه گرفت. فراتر از آن، چنین فردی را می‌توان به عنوان مظهر یک ملت، تحقیر کرد. طرفداران او نیز تروریست‌اند و خونشان مباح. در برلین، اسرائیلی‌های جنایتکار آتش به روی کردهای غیر مسلح می‌گشایند. سه نفر را می‌کشند و حدود ۱۴ نفر دیگر را هدف گلوله قرار می‌دهند. از حلقوم هیچ سیاستمدار آلمانی که در پایتخت کشورشان چنین جنایتی رخ می‌دهد، صدای اعتراضی بر نمی‌خیزد. تنها کردها را تهدید می‌کنند که از ((مهمان‌نوازی)) ملت نجیب آلمان سواستفاده نکنند. در استانبول، به پلیس دستور می‌دهند که اگر کردها تظاهرات کردند، آتش بگشایند، البته فقط به پاها. در همان روز در شهر قزل تپه ترکیه، پلیس یک نوجوان ۱۶ ساله کرد را به قتل می‌رساند. باز، ((افکار عمومی)) جهان ساکت است.

در این دنیا، واژه‌ها را قدرت معنی می‌کند. اوجالان تروریست است، اما ((اوپکا)) به صرف اینکه علیه صرب‌ها می‌جنگد، ارتش آزادیبخشی است که جای آن در مذاکرات رسمی پاریس و هم‌ارز با دولت یوگسلاوی است. اوجالان تروریست است، اما بر اسرائیلی‌هایی که کنسولگری‌هایشان زرادخانه اسلحه است و بی‌محابا آدم می‌کشند، انتقادی وارد نیست. اوجالان تروریست است، اما ارتش ترکیه که تا کنون ده‌ها هزار کرد را در جنگ داخلی این کشور قتل عام کرده است، ضامن امنیت و آرامش.

قدرت است که واژه‌ها را معنی می‌کند. دولت آمریکا از به دام افتادن اوجالان تروریست ابراز خوشحالی کرده است. اما مگر آمریکا نبود که شورشیان را در آنگولا، در افغانستان، در نیکاراگوئه و... تا دندان مسلح کرد؟ تمامیت ارضی ترکیه باید به بهای جان صدها هزار نفر حفظ شود، اما یکپارچگی یوگسلاوی، باید هر طور که شده، حتی به قیمت جان صدها هزار تن، از میان برود. کردها که وجوه اشتراکشان با ترک‌ها بیش از اشتراکات صرب‌ها و کروات‌ها نیست، هیچ گاه جدایی از ترکیه را نخواستند. خواست‌های ملی کردها در ترکیه، ایران و عراق، هیچ گاه در حد جدایی‌طلبی کروات‌ها و آلبانی‌های یوگسلاوی نبوده است. اما از بخت بد کردها، آن‌ها در دژ جنوب شرقی ناتو زندگی می‌کنند. گویی در مورد کردها، این حکم منشور سازمان ملل که انسان‌ها و ملت‌ها در صورت لگدمال شدن حقوقشان و مسدود شدن همه راه‌های مسالمت‌آمیز، حق شورش و توسل به اسلحه دارند، معتبر نیست. در همین دوره اخیر جنگ داخلی ترکیه بین ارتش این کشور و پ.کا.کا، طبق آمار رسمی دولت ترکیه شمار کشته‌شدگان از کردها، نزدیک به شش برابر قربانیان در صفوف نیروهای سرکوبگر بوده است. کردهای ترکیه در کشوری زندگی می‌کنند که تا همین چند سال پیش به کار بردن واژه ((کرد)) در آن جرم بود و موجودیت یک ملت که ۲۰ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد، از اساس مورد انکار بود. بسیاری از نیروهای دمکرات و آزادیخواه کرد، به عملکرد پ.کا.کا. و تندروی‌های آن و رفتار اوجالان در حزب خود انتقاد دارند، اما به این نکته نیز اشاره می‌کنند که پ.کا.کا. در دوره‌ای قدرت گرفت که نظامیان کودتاچی ترکیه راه هرگونه مبارزه مسالمت‌آمیز را بر کردهای این کشور بسته بودند.

رفتاری که اتحادیه اروپا با اوجالان داشت، به راستی لکه ننگی بر دامن اروپایی متمدن است. دولت‌های اروپایی، یک انسان را عملاً و عامداً به چنگال رژیم فرستادند که شکنجه در زندان‌های آن، یک امر روزمره است و هنوز حاضر نشده است در مورد جان زندانی، تأمین بدهد. اینکه اروپایی‌ها، اوجالان را هفته‌ها آواره کشورهای مختلف کردند تا عاقبت سر از زندان ترکیه درآورد، و اکنون همین دولت‌ها می‌گویند که ترکیه باید حقوق انسانی اوجالان را رعایت کند، چیزی جز نفرت و اشمئزاز بر نمی‌انگیزد. اروپایی‌ها شماری از مهم‌ترین اصول و پرنسیپ‌های مورد ادعای خود را در ماجرای اوجالان به نظامیان انتقام‌جوی ترک فروخته‌اند. و باز قدرت است که واژه‌ها را معنی می‌کند. این نه پایمال شدن حقوق انسانی کردها توسط دولت ترکیه، که بند آمدن چند خیابان در شهرهای اروپایی توسط کردهاست که ارکان امنیت در اروپا را به خطر می‌افکند!

در تظاهرات کردهای ایران چندین تن به دست پاسداران کشته شدند

تظاهرات هزاران تن از کردهای ایران در شهرهای سنندج، مهاباد، سقز و ارومیه با دخالت پاسداران و ماموران امنیتی به خشونت کشیده شد و عده‌ای از تظاهرکنندگان کشته و زخمی شدند. تظاهرات مسالمت‌آمیز کردهای ایران در اعتراض به دستگیری اوجالان و سرکوب خلق کرد ترکیه نخست از تهران آغاز شد و در فاصله دو روز در سراسر شهرهای کردستان حرکات اعتراضی علیه جمهوری اسلامی اوج گرفت. در سنندج، مهاباد، بانه، مریوان، ماکو، سقز، ارومیه و سردشت هزاران نفر با شعار علیه جمهوری اسلامی و طرح خواسته‌های مردم کرد ایران به خیابانها ریختند. در ارومیه هنگامی که تظاهرکنندگان در خیابان دانشکده این شهر قصد حمله به کنسولگری ترکیه را داشتند با پاسداران درگیر شدند و نیروهای امنیتی برای پراکندن تظاهرکنندگان دست به اسلحه بردند. بر اساس گزارش‌های رسیده در این شهر و در سقز، مهاباد و بانه در تظاهرات روزهای اخیر چندین تن کشته و زخمی شده‌اند.

فقط وعده می‌دهند، اما از معرفی قاتلین آزادی خواهان ایران خبری نیست! یونسی وزیر جدید اطلاعات: بنا به مصلحت ملی همه ابعاد قضیه را نگفتیم

در حالی که کمیته تحقیق قتل‌های اخیر خبر از تعقیب عده دیگری از متهمان در ارتباط با قتل‌ها را داده، یونسی عضو این کمیته و وزیر جدید اطلاعات در مصاحبه با روزنامه صبح امروز گفته است: پرونده قتل‌ها از نظر قضایی بدون ابهام است و می‌شود قاتل را هم‌اکنون به دادگاه برد و دستور دهنده و اجرا کننده مشخص شده‌اند. اما وی نه به مشخصات قاتل یا قاتلان اشاره‌ای کرد و نه درباره هویت افرادی که به تازگی دستگیر شده‌اند، سخن گفت. یونسی و دوتن دیگر از اعضای کمیته تحقیق قتل‌ها پیش از انتشار خبر تعقیب افراد جدید در ارتباط با قتل‌ها، با خاتمی دیدار کردند. وی در مصاحبه با صبح امروز تاکید کرد که در بررسی پرونده هیچ‌گونه سازشی و مصالحه‌ای نبوده و کمیته تحقیق بنا به مصلحت ملی تصمیم گرفت همه ابعاد قضیه را مطرح نسازد. یونسی در باره آنچه ناگفته مانده، اظهار نظری نکرد.

در حالی که نزدیک به سه ماه از قتل‌های فجیع نویسندگان و آزادی‌خواهان ایران می‌گذرد، مسئولین رژیم هنوز جز وعده دادن به مردم، هیچ اقدام جدی در جهت معرفی و مجازات قاتلان انجام نداده‌اند.

در سالروز انقلاب، مردم سنندج با شعارهای (زنده باد آزادی، مرگ بر استبداد)) علیه رژیم تظاهرات کردند

در شامگاه روز ۲۲ بهمن، جمعیت زیادی از مردم سنندج که اکثر آنان را جوانان تشکیل می‌دادند، با برپایی یک تظاهرات بزرگ در خیابان فردوسی این شهر، علیه رژیم دست به تظاهرات زدند. روزنامه‌های ایران در باره این تظاهرات سکوت کرده و ((شایعات)) در این زمینه را تکذیب کرده‌اند، اما بنا بر خبرهای موثقی که از ایران رسیده است، هزاران نفر از مردم سنندج در روز بیست و دوم بهمن، در این اعتراض شرکت جستند. تظاهرکنندگان دست در دست و بازو در بازو با شعار ((زنده باد آزادی و مرگ بر استبداد))، در خیابان فردوسی راهپیمایی کردند. بنا بر همین خبرها، ماموران امنیتی رژیم گروهی از تظاهرکنندگان را دستگیر کرده و تلاش وسیعی را برای به دام انداختن سازمان‌گران این تظاهرات آغاز کرده‌اند.

گزارش‌های رسیده از کردستان حاکی از آن است که روز بیست و یک بهمن ماه نیز مردم معترض سنندج بساط جشن و آذین‌بندی را که رژیم به مناسبت سالروز انقلاب برپا داشته بود، برهم ریخته و تمامی لامپ‌ها و پلاکاردهای تبلیغاتی رژیم در خیابان‌های شهر را تخریب کرده‌اند. گزارش‌ها حاکی است که اوضاع شهر سنندج هنوز متشنج است. از سرنوشت دستگیرشدگان تظاهرات اخیر این شهر اطلاعی در دست نیست.

سکوت در برابر حذف ((غیرخودی‌ها))

در هفته‌های اخیر دو اتفاق در عرصه سیاسی و مطبوعاتی کشور رخ داد که با نیروهای خارج از حکومت ارتباط برقرار می‌کرد. اولی تعطیل نشریه آدینه و دومی توافق کمیته حل اختلاف در رابطه با شوراها که موجب حذف فعالین سیاسی غیرحکومتی از انتخابات شد.

آدینه نخستین نشریه مستقلی بود که بعد از سرکوب نیروهای دگراندیش در سال‌های ۶۳ - ۶۱، مجوز انتشار از وزارت ارشاد گرفت. این نشریه عمدتاً در عرصه ادبی و هنری فعالیت داشت و کمتر با مسایل سیاسی روز درگیر می‌شد. حتی در بحبوحه جنگ ایران و عراق و دوران صدارت میرسلیم بر وزارت ارشاد، آدینه توانست به حیات خود ادامه دهد، اما در دوره‌ای که شعار جامعه مدنی و آزادی‌های سیاسی شعار دولت است، این نشریه را تعطیل کرده‌اند.

تعطیلی آدینه توسط نیروهای سرکوب‌گر قابل پیش‌بینی بود، اما برخورد نیروهای اصلاح‌طلب حکومت با این موضوع قابل تأمل است. آن‌ها ظاهراً از جامعه مدنی و آزادی مطبوعات دفاع می‌کنند، ولی زمانی که مطبوعات مستقل تعطیل می‌شوند، لب فرو می‌بندند و سخنی در اعتراض بر زبان نمی‌آورند. هم در رابطه با تعطیلی جامعه سالم و هم آدینه، این سکوت برقرار بود، تنها روزنامه صبح امروز به تعطیل آدینه اعتراض کرد.

زمانی که شلمچه، ارگان انصار حزب‌الله تعطیل شد، تعدادی از مطبوعات وابسته به نیروهای اصلاح‌طلب حکومت و نیز انجمن صنفی روزنامه‌نگاران به این حکم دادگاه اعتراض کردند. این اعتراض این امید را به وجود آورد که تغییراتی در طرز تلقی آن‌ها نسبت به نوع نگرش به آزادی‌های سیاسی به وجود آمده است و آن‌ها علیرغم نقش مخرب شلمچه و فحاشی‌های آن، معتقد به آزادی مطبوعات، صرف‌نظر از خطمشی آن‌ها هستند.

نشریه آدینه نه مانند شلمچه چماق‌داری و خشونت را تبلیغ می‌کرد و نه سازمان‌گر دستجات چماق‌دار بود. آدینه به ارتقا فرهنگ یاری می‌رساند و برای تامین آزادی‌های سیاسی مبارزه می‌نمود. اما در ((قتل)) این نشریه نه انجمن روزنامه‌نگاران اطلاعیه‌ای منتشر کرد و نه مطبوعات وابسته به اصلاح‌طلبان اعتراضی کردند.

موضوع دیگر به کمیته توافق حل اختلاف بر می‌گردد. این بار بعد از نزاع‌های طولانی و حاد در رابطه با انتخابات شوراها، توافقی در بالا بین جناح‌های حکومت صورت گرفت که برپایه آن، صلاحیت نیروهای ((خودی)) تأیید شد و نیروهای خارج از جناح‌های حکومت حذف شده و از حقوق خود برای کاندید شدن در انتخابات شوراها محروم گشتند. گرچه در برخی روزنامه‌های حامی خاتمی نسبت به این توافق انتقاداتی شد، ولی آن چه که در عمل پیش رفت، رد صلاحیت نامزدهای مستقل و حتی نیروهای مذهبی-سیاسی که التزام خود را به قانون اساسی اعلام کرده بودند، بود. بدین ترتیب در گسترده‌ترین انتخابات، یعنی انتخابات شوراها نیز همانند انتخابات قبلی، فقط ((خودی‌ها)) حق شرکت یافتند.

دفاع از جامعه مدنی و آزادی‌های سیاسی به معنی دفاع از حقوق تمام مردم و نیروهای سیاسی و به ویژه نیروهای مستقل از حکومت و دگراندیش است و گرنه در طول عمر بیست ساله حکومت اسلامی، تمام جناح‌ها و نیروهای وابسته به آن‌ها، یکه‌تاز میدان بوده و به تواتر تماماً یا بخشی از قدرت را در دست داشتند. نمی‌توان هم مدعی دفاع از جامعه مدنی بود و هم در مقابل تعطیل مطبوعات مستقل ساکت نشست و کمک کرد که نیروهای دگراندیش از مشارکت در امور جامعه حذف شوند.

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

دستگیری عبدالله اوجالان را محکوم می‌کنیم!

عبدالله اوجالان رهبر حزب کارگران کردستان ترکیه، بعد از دوازده روز پناهندگی در سفارت یونان در نایروبی، دستگیر و از کنیا به ترکیه برده شد. بلند اجویت نخست‌وزیر ترکیه اعلام کرد که در یک عملیات سری اوجالان دستگیر و اکنون در ترکیه بازداشت است.

عبدالله اوجالان چند ماه پیش به دنبال توافق دولت سوریه با دولت ترکیه، از این کشور اخراج شد و مدت‌ها در کشورهای مختلف اروپا سرگردان بود و هیچ یک از دولت‌های اروپایی حاضر نشدند که به او پناهندگی سیاسی بدهند. در حالی که اتحادیه اروپا حل مساله کرد را یکی از شروط پذیرش ترکیه در این اتحادیه اعلام کرده است. دستگیری اوجالان اعتراض گسترده و بی‌سابقه اعضا و هواداران حزب کارگران کردستان ترکیه را در کشورهای مختلف جهان و به ویژه اروپا برانگیخته است.

ما دستگیری عبدالله اوجالان را محکوم می‌کنیم و از مجامع بین‌المللی و به ویژه سازمان‌های حقوق بشر می‌خواهیم که به دفاع از آزادی عبدالله اوجالان و حقوق مردم کردستان ترکیه برخیزند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۱۶ فوریه ۱۹۹۹



با کار تماس بگیرید

شماره فاکس : 0049 - 221 - 331 82 90
شماره تلفن : 0049 - 221 - 932 21 36

آدرس کار در اینترنت : <http://www.geocities.com/CapitolHill/2902/>
آدرس پست الکترونیکی : fadai.aksariyat@magnet.at

I.G.e.v : آدرس پستی
Postfach 260268
50515 Köln
Germany

تک فروشی : معادل ۴ مارک آلمان
بهای اشتراک :

اروپا : شش ماه ۵۵ مارک ، یک ساله ۱۰۲ مارک
سایر کشورها : شش ماهه ۶۲ مارک ، یک ساله ۱۱۵ مارک

فرم درخواست اشتراک نشریه کار

اشتراک جدید تمدید اشتراک شماره اشتراک :
مدت اشتراک : شش ماهه یک ساله تاریخ :

Name: نام :

Address: نشانی :

.....
.....
.....
.....

فرم را همراه با بهای اشتراک (حواله بانکی یا تمبر)
به آدرس فوق پست کنید!

I.G.e.v : دارنده حساب
22 44 20 32 : شماره حساب
37 05 01 98 : کد بانک
Stadtsparkasse : نام بانک
Köln
Germany